



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید مجید طالع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی
- ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۱-۵ ۸۸۸۸ ۳۷۲-۵۱
- نمایر: ۰۳۸۴۹۰۳۸۴-۵۱
- روابط عمومی: ۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
- شماره پیامک: ۷۷۸۹-۳۰۰۰

SHAHRRARNEWS.IR

اشنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میتوان نامۀ اخلاق حرفه‌ای



دمای هوای مشهد

۶۴٪ رطوبت هوا

۵° ↑ ۰° ↓

صبح ۱۱ ظهر ۱ عصر ۳ شب ۷

اوقات شرعی مشهد

- اذان ظهر ۱۱:۲۰:۴۴ نیمه شب شرعی ۲۲:۳۵:۵۶
- غروب آفتاب ۱۶:۱۶:۴۰ اذان صبح فردا ۰۴:۵۶:۰۰
- اذان مغرب ۱۶:۳۶:۴۹ طلوع آفتاب فردا ۰۶:۲۵:۴۳

کتابخوان

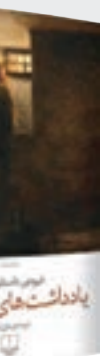
روایت‌های مردی ۴۲ ساله

کوتاه درباره «یادداشت‌های زیرزمینی» با ترجمه علی مصفا

زیرزمینی یکی از والاترین دستاوردهای ادبیات جهانی است که نگارنده آن شیوه متفاوتی از رویارویی با جامعه را ارائه کرده است، نوعی گریختن از بیرون به درون، به تصویر کشیدن عمیق‌ترین احساسات انسانی و پذیرش نوعی از تنهایی و انزوا که محصول برخورد با اجتماع است.

روای کتاب «یادداشت‌های زیرزمینی» مردی ناشناس است، کسی که نام او هرگز برما فاش نمی‌شود. او از وراچی‌های زندگی روزمره، از مسائل برآمده از زیستن در اجتماع فاصله گرفته، به زیرزمین پناه برده و در تلاش است تا سنگینی باری را که بر شانه‌هایش احساس می‌کند، با نوشتن بر زمین بگذارد. او خود دلیل نوشتنش را چنین شرح می‌دهد.

مرد زیرزمینی، این راوی بی‌نام و نشان چهل و دو ساله، در دو بخش داستان خود را روایت می‌کند، قسمت اول داستان که «زیرزمین» نام دارد، شرح احساسات و عواطف اوست و بخش دوم کتاب با عنوان «از برف نمناک» به حوادث زندگی راوی اختصاص دارد.



کتاب «یادداشت‌های زیرزمینی» به قلم فئودور داستایوفسکی نویسنده نامی روسی را علی مصفا ترجمه کرده و نسخه صوتی‌اش را هم با صدای خودش ضمیمه کتاب کرده است. «یادداشت‌های زیرزمینی» با قیمت ۱۹۰ هزار تومان از سوی نشر چشمه در بازار کتاب عرضه شده است. در بخشی از معرفی این کتاب برای مخاطبان چنین آمده است:

«فئودور داستایوفسکی چهل و دو ساله بود که کتاب یادداشت‌های زیرزمینی (Notes from Underground) را در مجله‌ای به نام «زمان» به صورت پاورقی منتشر کرد. سپس این اثر به صورت یک کتاب و در سال ۱۸۶۴ منتشر شد. اگر بگوییم میان همه رمان‌های فئودور داستایوفسکی کتاب یادداشت‌های زیرزمینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، هیچ اغراق نکرده‌ایم. زیرا این اثر کلید فهم باقی آثار اوست و از منظر بسیاری از منتقدان اولین رمان روان‌شناختی نامیده می‌شود. یادداشت‌های

امانه در مقام نویسنده که به سبب تسلط بر زبان فرانسوی، مترجم «یادداشت‌های زیرزمینی»، اثر داستایوفسکی بود و در اجرای دو کتاب صوتی با عنوان «کاتوره» و «مرگ و مرگ کینکاس» به خوبی ظاهر شد، اما علی مصفا فقط فرزند سینما نبود. سال ۱۳۷۸ با سریال خاطره‌انگیز «کیف انگلیسی» و سال ۱۳۸۶ با مجموعه «پری‌دخت» بار دیگر برابر لیلیا حاتمی‌خوش درخشید و پس از آن فعالیت در شبکه نمایش خانگی را نیز با آثاری چون «مگه تموم عمر چندتا بهاره»، «شریک جرم»، «هفت»، «میدان سرخ» و «حرفه‌ای» دنبال کرد. اما نقل بی‌حوصلگی‌های علی مصفا نوی مصاحبه‌های اخیرش، حکایت ملال‌آمیزاد در زمانه دودین‌ها و نرسیدن‌هاست.

ستاره‌ای که این روزها به اعتراف خودش، کمتر از همیشه کتاب می‌خواند، تمرکزی برای فیلم دیدن ندارد و مثل بسیاری از مادر میانه تماشای یک اثر تصویری، از دقیقه‌ها عقب می‌ماند. علی مصفا شاید این روزها بیش از آنکه به عاشق‌پیشگی و جنون شاعرانه فرهاد در فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» شبیه باشد، قدر «شاهین» سریال آخر سروش صحت، در رویارویی با پرسش‌های فلسفی، مشغول سکوت است. شخصیتی که با انسان امروزی بیگانه نیست. یکی شبیه به تمام ما آدم‌ها که در جریان شتابناک فناوری و هجوم بی‌سابقه تولیدات بصری چند ثانیه‌ای در فضای مجازی، به سکوت و تنهایی پناه می‌بریم. با این همه، فارغ از تمام حواشی، امروز علی مصفا در حالی شمع ۵۳ سالگی‌اش را خاموش می‌کند که همچنان همان مصفا توانمند دهه ۷۰ است. مصفا یکی که با «پری» و «برج مینو» ستاره شد، با «لیلا» عاشق شد و این آخری‌ها، لایه‌لای بسیاری از نقش‌های مختلف در ژانرهای متعدد، مفهوم زندگی را در پوسته شخصیت‌های گوناگون به تصویر کشید.

سال ۱۳۹۰ بود که علی مصفا با یک فیلم‌نامه با عنوان «پله آخر» توی اتاق هر تهیه‌کننده‌ای که می‌رفت، به توافق نمی‌رسید. در نهایت خودش کار را دست گرفت. این اولین تجربه تهیه‌کنندگی و دومین تجربه کارگردانی (پس از فیلم سیمای زنی در دوردست) بود. فیلمی در دسته فیلم‌های مستقل سینمای ایران که با عنوان بهترین فیلم‌نامه اقتباسی در جشنواره فیلم فجر نامزد دریافت جایزه شد. اقتباسی از داستان «مردگان» جیمز جویس و «مرگ ایوان ایلیچ» از تولستوی. علی مصفا نه فقط در بازیگری و کارگردانی و فیلم‌نامه‌نویسی و تهیه‌کنندگی، خودی نشان داد که در حوزه ادبیات داستانی هم حرفی برای گفتن داشت.



آزاده چاه‌سنگی نویسنده

آثار کمتر، به دست فراموشی سپرده شود. هر چه باشد او پیش از «لیلا»، یک بار برای بهترین بازیگر نقش مکمل مرد از جشنواره فیلم فجر برای «پری» سیم‌رغ بلورین گرفته بود و حتی برای لیلا هم در جشن حافظ به روی صحنه رفته بود. برای جایزه بهترین بازیگر مرد آن سال.

امضای خاص آقای بازیگر

لحن گاهی مونوتن، اما در عین حال پرکشش علی مصفا توی خیلی از نقش‌ها، نه از ضعف در پرداخت پرسوناژها، که تکنیک او برای نزدیک کردن نقش به خود بود. علی مصفا خمیری نبود که توی دست کارگردان‌ها تغییرشکل دهد بلکه با هوشمندی تمام و اعمال ظرایف بازیگری و ایده‌های محتاطانه به کارگردان، نقش را به خود نزدیک می‌کرد. شاید برای همین است که علی مصفا در اغلب آثارش، همیشه همان جنتلمن آرام، اما مسلط به نقش است که بی‌اطوار از پس هر جور نقشی برمی‌آید. ما مصفا ی بیمار «جهان با من برقص» را در آن قصه دراماتیک، همان اندازه باور می‌کنیم که مصفا ی عجیب و غریب «مگه تموم عمر چندتا بهاره» با هزار هزار حرفه ذهنی فانتزی. شاید این شکل از پرداخت شخصیت‌ها، میراث داریوش مهرجویی برای همکاری‌های متعدد با علی مصفا بود. مردی که به بازیگرهایش مجال می‌داد تا در حد امکان برای شخصی‌سازی اعمال نظر کنند. کارا کترها، اعمال نظری کنند. علی مصفا هم مثل بسیاری از بازیگران موفق دیگر، امضای خودش را دارد. متد موافقی که تا امروز توی هر نقشی که ظاهر شده، همان مصفا ی کار بلد، همیشه بود. باسواد و حرفه‌ای و اخلاق مدار.

چه‌ها

ولش‌کن!



زهره چاه‌سنگی نویسنده

میان برداشتن سنگی که پیش پایش بود سستی می‌کرد. تغییر یا بودن آن جوری که همیشه نبوده‌ایم، بودن با نسخه‌ای متفاوت از همان همیشگی خودمان، درد دارد. روزی هزار بار هم تکرار می‌شود و هر بار هم می‌گوییم ولش‌کن! این اواخر رفته بودم یک مرکز درمانی که بابی‌مه‌تکمیلی قرارداد داشت. این یعنی نباید بابت خدمات‌اش از من پولی دریافت می‌کرد. حتی وقتی زنگ زدم و پرسیدم،

ولش‌کن! این ولش‌کن از آن ولش‌کن‌هایی نیست که خطاب به دیگران و با صدای بلند می‌گوییم. این ولش‌کن از آن ولش‌کن‌هایی است که توی دلمان و زمزمه‌کنان خطاب به خودمان می‌گوییم و خیلی راحت می‌گذریم از کنارش. آن هم درست وقتی قرار است قدم از قدم برداریم، وقتی که قرار است پیمان را کمی فراتر بگذاریم از منطقه امن عادت‌هایمان.

اذعان می‌کنم کار ساده‌ای نیست. رفتارهای ما خودکار و خودجوش عجین شده با شکل و شخصیت‌مان و تغییر حکایت از جاگندن درخت تنومند بر از خار و خاشاک همان مرد کاهلی است که کار امروز را به فردا می‌انداخت و دراز



عکس روز

بازگشت به خانه

با اعلام آتش‌بس حزب... لبنان و رژیم غاصب صهیونیستی، هزاران لبنانی که به مناطق مختلف سوریه پناه برده بودند، به خانه‌هایشان بازگشتند.



برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید.

عکس: محمدحسن صلواتی شهرآرا

تبلیغات خلاق کلید رشد و ثروت

مشهد میدان شهدا / ساختمان تجاری اداری شمس / طبقه اول / واحد ۵ ☎ ۰۹۰۵۷۲۴۸۳۵۶۱

shahraranews.ir

داخلی (۷) ۰۵۱۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

پخش روزانه ۲۴ ساعته